

معمای مدیریت ورزش استان

مدیریت ورزش استان و تعیین تکلیف آن بحث روز منطقه است. گمانه‌زنی‌ها و رایزنی‌ها و خلاصه مطرح شدن اسامی مختلف برای قرار گرفتن در رأس ورزش همچنان ادامه‌دار شده است.

ورزش اردبیل در یکسال گذشته بالاترین و بیشترین ضرر و خسارت را متحمل شده‌است. تغییر در سطح مدیریت دستگاه‌های اجرایی بعد از روی کار آمدن دولت جدید امری طبیعی و دور از انتظار نیست. در سطح استان اردبیل تغییری که قادر به ایجاد تحول و تحرک در ورزش باشد مورد انتظار بود ولی وقتی تحقق این عمل طولانی شد ورزش اردبیل را دچار سردرگمی کرد و عدم اتخاذ تصمیم مناسب آن را با اما و اگرهای متعدد روبه‌رو نمود

اولویت فدراسیون

سجاد انوشیروانی مدیرکل ورزش و جوانان استان به دنبال تغییرات مدیریتی در استان برای ابقای خود تلاش کرد. در این راه دوستان وی نیز یاری‌اش کردند و بالاتر از همه این‌ها، عنوان‌دار بودنش در ورزش کمک کرد تا جابه‌جایی وی در اولویت‌های آخر قرار بگیرد.

او درحالی‌که مسئولیت ورزش استان را برعهده داشت همچنان بحث مدیریت فدراسیون وزنه‌برداری و تکیه زدن بر صندلی آن را پیگیری می‌کرد. به جرئت می‌توان گفت که وی جزء مدیرانی است که بالاترین آمار حضور در تهران را دارد. درنهایت وی به یکی از آرزوهای دیرینه خود رسید و حکم سرپرستی فدراسیون را به دست آورد.

انوشیروانی خوشحالی خود از دستیابی به مدیریت فدراسیون را با استقرار در تهران و فراموش کردن اردبیل و مدیریت اداره‌ی کل آن نشان داد.

وی در ۱۵ روز گذشته حتی برای یک روز در اردبیل حضور نیافته‌است. چرخ‌های اداره کلی که وطاقیف مهم و سنگینی در قبال جوانان و جامعه دارد بدون حضور مدیر چگونه باید بچرخد و دراین‌میان اگر محدودیت‌هایی هم توسط مدیر ساکن تهران برای معاونت‌ها ایجاد شود مشکل اداره امور مضاعف می‌گردد.

پولادگر مقصر اصلی

پولادگر معاون وزیر ورزش در حاکمیت وضع فعلی در ورزش اردبیل مقصر اصلی است. او چگونه مدیری است که بدون تعیین تکلیف اداره کل ورزش و جوانان استان برای مدیرش حکم جدیدی صادر می‌کند و اجازه حضور در تهران و رسیدگی به امور فدراسیون را می‌دهد؟ با بودن چنین مدیران دوران‌دیش و کاربلد باید در انتظار روزهای پر تلاطم برای ورزش کشور باشیم. در این ارتباط می‌توان نمونه‌های عینی زیادی ذکر کرد که اوضاع آشفته فوتبال این کشور مشتکی است نمونه خروار.

تاوان بیان واقعیتها

در هر بخشی از جامعه، بیان واقعیتها تاوان سنگینی می‌تواند به دنبال داشته باشد. چرا نباید بپذیریم که ورزش اردبیل مورد کم‌لطفی و بی‌توجهی است. این کم‌لطفی از طرف کسانی که مدعی خدمت به آن می‌باشند، آزاردهنده می‌شود. گفتن واقعیت‌های موجود نباید اسباب دلخوری برخی‌ها را موجب شود. مدیرکل ورزش و جوانان اگر اعتقاد به اجرای عدالت داشت می‌بایست ۳ روز هفته در تهران و بقیه را در اردبیل مستقر می‌شد.

یکی به خواست و آرزوی مدیریتی‌اش می‌رسد، دیگری در اندیشه‌ی رسیدن به قدرت در ورزش اردبیل دوندگی می‌کند، آن یکی روز و شب‌اش را در بیان ویژگی‌های خود و عقد پیمان اخوت با نمایندگان می‌گذراند، این یکی در اندیشه‌ی وصل شدن به افراد دارای شانس بالا در دستیابی به مدیریت ورزش اردبیل است و دیگری می‌خواهد به هر طریق و به هر روشی که بتواند در ورزش حفظ موقعیت بکند ولی آنچه در این‌میان در مانده می‌شود و هر روز بدتر از روز قبل در سر‌اشیبی سقوط قرار می‌گیرد، ورزش است و لاغیر

به‌جای برنامه‌ریزی جهت بستن دهان منتقدان، واقعیتها را پذیرا باشیم و تلاش خود را در راستای جبران خسارات وارده متمرکز بکنیم.

کار سخت مدیر جدید

کسی که عنوان مدیر ورزش و جوانان استان اردبیل را صاحب می‌شود در اداره امور آن دو راه بیشتر نخواهد داشت. یا باید به وضعیت موجود و ساختار حاکم بر اداره کل تن بدهد و روزمرگی را در دستور کار خویش قرار داده و همه مدعیان و گروه‌ها و باندهای در ارتباط را راضی نگاه دارد و یا حرکت انقلابی و مدیریت جهادی را سرلوحه اقدامات قرار داده و برای ایجاد تحول تأثیرگذار در روند ورزش و جوانان کمر همت ببندد.

مدیر جدید اگر روش دوم را در پیش گیرد مسلماً منافع خیلی‌ها که آویزان ورزش بوده و تنها با توسل به آن صاحب موقعیت کذائی شده‌اند به خطر می‌افتد. آن‌ها چون راضی به دل‌کندن از ورزش نیستند ساز جدیدی کوک خواهند کرد و راه‌های مختلفی را برای حفظ و تضمین و تأمین منافع و اهداف شخصی و باندي انتخاب خواهند نمود. آن‌ها با حاشیه‌سازی و شایعه‌پراکنی تلاش می‌کنند تا مدیر جدید را از مسیر خدمت به مردم، جامعه و ورزشی‌های استان منحرف نمایند.

آن‌هایی که ورزش را وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف غیرورزشی قرار می‌دهند در نهادینه شدن فضای بدبینی و بی‌اعتمادی نقش‌آفرینی می‌کنند و عامل اصلی در ترویج بی‌احترامی، حرمت‌شکنی و انگ و تهمت زدن می‌شوند.

ورزش و فضای حاکم بر آن فضایی توأم با رفاقت، همدلی، روحیه پهلوانی و جوانمردی است. آویزان‌های ورزش مأموریت دارند که نفرت و کینه و دشمنی را جایگزین این ویژگی‌ها نکنند و مسلماً مدیر جدید باید با تمام توان در مقابل زیاده‌خواهان، خود بدترین‌ها و طبل‌های توخالی و مدعیان بی‌ثمر ایستادگی نماید.

مدیر آینده ورزش چنانچه در بی‌اثر کردن نقشه‌های جریان‌ات منفعت‌جو و اباحه‌گر هرهری مسلک، دارای برنامه و هدف نباشد رسیدن ورزش اردبیل به ساحل امن و آرامش امکان‌پذیر نخواهد بود.

مدیر وام‌دار

برخی‌ها که بودن در ورزش را برای خود حیاتی و امری ضروری می‌دانند در مواقع انتخاب مدیر جدید در حمایت از افراد مطرح درمی‌آیند و با اتخاذ تاکتیک‌های مناسب القا می‌کنند که در رسیدن مدیر به صندلی مدیریت تأثیرگذار بوده‌اند. آن‌ها از روز اول، مدیر جدید را تا خرخره وام‌دار خود کرده و مدیر را به مهره‌ای حرف‌گوش کن تبدیل می‌کنند.

مدیری که بدهکار جریان‌ات ناسالم و افراد طماع و مزاحم باشد ورزش را به سوی نابودی و دور شدن از جاده توسعه و غرق کردن در دریای شارلاتینیسم هدایت می‌کند. ورزش اردبیل بارها چوب مدیران وام‌دار را خورده است و امیدواریم که این‌بار مدیریت جدید امکان ابراز وجود به این قبیل افراد و جریان‌ات که کاملاً شناخته شده‌اند، ندهد.

ضرورت تعیین تکلیف

تعیین تکلیف مدیریت ورزش اردبیل از نان شب هم واجب است. به کسانی که ورزش اردبیل را با صدور یک حکم جدید ترک کردند نباید اجازه دخالت دوباره بدهند. دو شغله بودن و مدیریت دو بخش را همزمان برعهده داشتن برخلاف قانون می‌باشد. آب از سرچشمه گل‌آلود است. وقتی وزارتخانه خواسته یا ناخواسته در روند امور مجموعه‌ای چون اداره‌ی کل ورزش و جوانان دست‌انداز ایجاد کرده و به مدیرش هم‌زمان مسئولیت مهم دیگری عطا می‌کند نتیجه‌اش همین می‌شود که ورزش استان در دو ماه گذشته با آن مواجه می‌باشد.

کلام آخر

همه این حرف‌ها نه از سر مخالفت با این و آن و نه از باب حمایت از یک فرد و یک جریان است، نه کسی به ما هیزم تر فروخته و نه با کس دیگری دشمنی داریم، هرچه گفته می‌شود از سر دلسوزی و علاقه به ورزش می‌باشد. بی‌تفاوتی به وضعیت موجود ورزش استان بی‌انصافی است. بازگرداندن آرامش به ورزش و ایجاد انگیزه برای خدمت هرچه بیشتر در مجموعه ورزش و جوانان استان وظیفه بزرگ